

Study and Analysis of Nowruz Ali Sorani's Philosophical-Mystical Ontology

Mansour Rostami 

- Lecturer at Allameh Tabatabaei Seminary Higher Education Institute, Kermanshah.
E-mail: mansourrostami97@yahoo.com


Article Info	Abstract
<p>Article type: Research</p> <p>Article history: Received: 2024/12/8 Accepted: 2025/1/4 Published: 2025/3/5</p> <p>Keywords: Ontology, The Religion of the Righteous , Yarsan , The Manifestation of God , Norouz Ali Sorani.</p>	<p>The religion of the Ahl al-Haqq believes in the manifest agency of God. The great men of the Ahl al-Haqq have interpreted ontology on this basis. This article has explained and examined the philosophical-mystical ontological perspective of Nowruz Ali Sorani, who is considered as one of the leaders of the Ahl al-Haqq. Since Nowruz was influenced by the aesthetic and epistemological perspective of the wisdom of illumination, Sufism, and mysticism, he has used philosophical terms and concepts more than other leaders of this tribe in expressing ontology. Due to its complexity and mystery, Nowruz Ali's book has not been translated or interpreted so far, and it has not been the subject of scientific and problem-oriented research. This article has answered the question: In what cases is Nowruz Ali Sorani's ontological perspective influenced by Sufism and mysticism? Nowruz's borrowing of concepts and terms from mystics and enlightened philosophers has brought his approach to the mystical and enlightened approach in expressing ontology issues. Nevertheless, the foundation of the worldview of the Ahl al-Haqq is clearly and undeniably evident in the words of Nowruz Ali. This article uses a descriptive-analytical method and decodes and analyzes the content to explain and examine Nowruz Ali's epistemological view of existence. The goals of this article are to use philosophy and mysticism to find equivalents for the terms in Nowruz Ali's notebook, to integrate and organize the scattered material in his collection of poems to recognize, explain and analyze Nowruz Ali's thought on ontology. The approach of going beyond the different opinions and views of the Sorani poet is another goal of this article.</p>

Cite this article: Rostami, Mansour (2024). Study and Analysis of Nowruz Ali Sorani's Philosophical-Mystical Ontology. *Journal of Theological and Exegetical Studies*, Year 1, Issue 1, Autumn 2024, Serial Number 1, (27-47).



Publisher: Allameh Tabatabaei Seminary Higher Education Institute, Kermanshah

بررسی و تحلیل هستی‌شناسی فلسفی - عرفانی نوروزعلی سورانی

منصور رستمی^۱ 

- مدرس مرکز آموزش عالی حوزوی کرمانشاه. رایانامه: mansourrostami97@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله:</p> <p>پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p style="text-align: right;">۱۴۰۳/۹/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش:</p> <p style="text-align: right;">۱۴۰۳/۱۱/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p style="text-align: right;">۱۴۰۳/۱۲/۱۵</p> <p>واژه‌های کلیدی:</p> <p>هستی‌شناسی، آیین اهل حق، پارسان، تجلی خداوند، نوروزعلی سورانی.</p>	<p>آیین اهل حق باورمند به فاعلیت بالتجلی خداوند است. بزرگان اهل حق بر این پایه به تفسیر هستی‌شناسی پرداخته‌اند. این مقاله به تبیین و بررسی نگرش هستی‌شناسی فلسفی-عرفانی یکی از پیشوایان اهل حق به نام نوروزعلی سورانی پرداخته است. از آنجا که نوروز متأثر از نگرش ذوقی و معرفتی حکمت اشراق، صوفیه و عرفا بوده است، بیش از دیگر پیران این طایفه در بیان هستی‌شناسی از اصطلاحات و مفاهیم فلسفی بهره‌برداری کرده است. دفتر نوروز علی به دلیل پیچیدگی و رمزآلود بودنش تاکنون ترجمه و تفسیر نشده و مورد مطالعه علمی و پژوهشی مسئله‌محور نیز قرار نگرفته است. این نوشتار به این پرسش پاسخ داده است که نگرش هستی‌شناسی نوروزعلی سورانی در چه مواردی متأثر از صوفیه و عرفا است؟ وام‌گیری نوروز از مفاهیم و اصطلاحات عرفا و فلاسفه اشراقی، نگرش وی را در بیان مسائل هستی‌شناسی به نگرش عرفانی و اشراقی نزدیک کرده است. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی و با رمزگشایی و تحلیل محتوا به تبیین و بررسی نگرش معرفت‌شناسانه نوروزعلی درباره هستی پرداخته است. استمداد از فلسفه و عرفان، در معادل‌یابی اصطلاحات دفتر نوروز، انسجام و تبویب مطالب پراکنده مجموعه سروده‌هایش برای شناخت، تبیین و تحلیل اندیشه نوروزعلی درباره هستی‌شناسی از جمله اهداف این مقاله است.</p>
<p>استناد: رستمی، منصور (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل هستی‌شناسی فلسفی-عرفانی نوروزعلی سورانی. پژوهش‌نامه معارف کلامی تفسیری، سال ۱، دوره ۱، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۱ (۲۷-۴۷).</p>	
<p>ناشر: مؤسسه آموزش عالی حوزوی علامه طباطبایی ره کرمانشاه</p>	



۱. مقدمه

متون آیینی اهل حق در قالب نظم و به گویش‌ها و لهجه‌های مختلف زبان کردی سروده شده است (صفی‌زاده، بی‌تا، ص ۲۰) هستی‌شناسی این آیین در لابلای متون آیینی اهل حق مطرح شده است. هستی‌شناسی به مباحثی مانند خداشناسی، جهان‌شناسی، فرشته‌شناسی و انسان‌شناسی می‌پردازد. از آنجا که اهل حق به فاعلیت بالتجلی خداوند باورمند است، بر اساس فاعلیت بالتجلی خداوند به تبیین و تشریح رابطه خداوند با موجودات پرداخته است. در دفتر کلام نوروز (۱۲۲۰ ق)، اغلب مباحث هستی‌شناسی پردازشی رمزی دارد؛ لذا وی مسائل هستی‌شناسی را در قالب تمیل، تشبیه، اسطوره و نماد ارائه می‌کند (سورانی، بی‌تا، بند ۱۴۷) و گاهی بیان رمزی و پیچیده در گفتار وی غالب است (همان، بند ۱۴۹) که دریافت معنا و مراد وی را بسی دشوار می‌نماید؛ بنابراین، با دانش هرمنوتیک و رمزگشایی و تأویل متن و تحلیل محتوا می‌توان لایه‌های پنهان معانی کلام وی را کشف و تبیین نمود.

از آنجا که سرایندهگان اهل حق در دوره‌های مختلف از هستی‌شناسی بحث کرده‌اند، غالباً رویکرد آنان متفاوت است. از پیشوایان آیینی اهل حق در قرن ششم تا هشتم هجری با مفاهیم و اصطلاحات خاص آیینی به صورت پراکنده و گذرا مطالبی درباره هستی‌شناسی می‌یابیم. سورانی در بندهای مختلفی به خداشناسی (همان، بند ۱۴۲) و جهان‌شناسی (همان، بند ۲۱۸-۲۱۲) پرداخته است. انسان‌شناسی از دیگر مباحث دفتر نوروز است (همان، بند ۱۰۴ و ۱۰۸ و ۱۱۲).

از دیگر سو، نوروز در طرح مبحث آفرینش روش دیالوگ افلاطونی را در پی گرفته است؛ با این تفاوت، وقتی که می‌خواهد یک امر مهمی مانند سیر تنزلات و مظاهر خداوند را در مراتب مختلف تشریح نماید، ابتدا پرسش یا پرسش‌هایی را طرح می‌کند و سپس در ادامه بحث به آنها پاسخ می‌دهد. باید افزود، ساختار مطالب برخی بندهای کلامی دفترش که به سیر پیدایش مخلوقات پرداخته است، بی‌شبهت به شیوه برخی اوپانیشادهای آیین هندو نیست. چنان که نوروز از تاریکی و ظلمت و نبود روز و شب و ماه و سال و... و سپس از خلقت موجودات سخن گفته است (همان، بند ۲۱۱-۲۱۹)، در کتاب اوپانیشادها نیز شبیه به همین مطالب در بحث تجلیات خداوند و کیفیت آفرینش می‌بینیم. از این جهت، هستی‌شناسی نوروز در مقایسه با سرایندهگان یارسان متمایز دیده می‌شود. باید افزود، سورانی توانسته است با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی (همان، بند ۲۱۴) و روایی (همان، بند ۲۱۳) عرفانی و فلسفی (همان، بند ۲۶۲ و ۲۴۹) به بیان کیفیت و سیر پیدایش تنزلات و تعینات حق تعالی بپردازد. این ویژگی در کلام دیگر یاران سیدبراکه و سرایندهگان دوره‌های قرون گذشته نمی‌یابیم یا نمودی کم‌رنگ دارد.

با اینکه نوروزعلی در میان سرایندگان دوره سیدبراکه جایگاهی مهم دارد و سیدبراکه از وی به عنوان درویش درویشان و آقای درویشان یاد کرده است (سیدبراکه، بی تا، ص ۴)، تاکنون اندیشه وی مورد مطالعه و پژوهش قرار نگرفته است و اثری درخور و مستقل درباره اندیشه وی نگاشته نشده است. شاید نبود پژوهش در این باره بدین جهت باشد که وی با بیانی رمزی و مفاهیمی پیچیده و تعبیری تشبیهی و تأویلی درباره اسرار و رموز هستی سخن گفته است.

نوروز معارف و حقایق هستی را اسرار می‌داند، اما تصریح می‌کند که از بیان آن احتراز کرده است؛ زیرا ممکن است مخاطب از درک آن عاجز باشد:

سخنی دارم دانم نمی‌گویم نگین جهان جسم و جان و جم
اگر بگویم می‌خورد بر هم معنیش می‌رسد به جاگه ستم

(همان، بند ۱۷۴)

به نظر می‌رسد، منظور وی این است که نمی‌تواند همه رموز نهفته در سینه‌اش را بیان کند، بلکه به تدریج به ارائه آنها می‌پردازد.

دل به قناعت مدارا کم کم می‌آریم خبر کارخانه دمدم

(همان، بند ۱۷۴)

وی در برخی بندها تصریح دارد، قلب او دفتری است که رموز و اسراری در آن نهان است، اما انسان سخن‌سنج دانا آن رموز را در می‌یابد:

دِلِم دَفْتَرِن دَرُونِم کِتَاو سِفیدِ دَفْتَرِن
رِموزِ دِیوانِ سِفیدِ دَوَسَرِن شَرِحِ حَقِیْقَتِ رُوژِ مَحْشَرِن

(همان، بند ۱۵۳)

ترجمه:

- دل من دفتر است. در درونم کتابی است که دفتر سفید است.

- این دفتر سفید رموز دیوان شمشیر دو سر ذوالفقار حضرت علی (ع) است که بیان‌کننده حقیقت روز محشر است.

نوروزعلی سورانی خاطر نشان کرده، اسراری را که بیان می‌کند، در زمره علم علم لدنی، سفید وانی (سفید خوانی) است که با علم حضوری مقایسه می‌شود؛ به تعبیری دیگر، منظور از دانش «سفید وانی» (سفید خواندن) علمی است که از روی کتاب آموخته نشده باشد؛ لذا در کلام نوروز می‌خوانیم:

عِلْمِ لَدُنِّی لَطِیْفِمِ وَاَنَا شَمَشِیرِ شَوکَتِ پَی دِیْنِمِ شَانَا

(همان، بند ۲۰۲)

ترجمه:

- به علم باطنی (لَدُنِی) دست یافتم و به سبب آن از شمشیر بران برای بیان اعتقاداتم بهره بردم.
و در بند «لَدُنِی وَنَدِم» می‌گوید:

چَندِ عِلْمِ سَنگینِ لَدُنِی وَنَدِم چَندِ سِرِّ اسرارِ بی قِیمَتِ سَنَدِم

(همان، بند ۱۴۷)

ترجمه:

- چند علم وزین لدنی خواندم، چند سر اسرار الاهی را بدون بها یافتم.
به نظر می‌رسد که این ویژگی همه مطالب دفترنوروز را در برنمی‌گیرد، بلکه مراد وی از «سفیدخوانی» یا «علم لدنی» آن دسته از بندهایی است که حکایت از کشف و شهود در عالم رؤیا دارد (همان، بند ۴۹ و ۴۷ و ۴۶) که ماهیتی رازآلود دارد (همان، بند ۳۰۳ و ۲۳۸) و از دیگر سو، مبتنی بر جهان‌بینی این آیین دانسته می‌شود. وی تصریح کرده است که معارف رمزی دفترش نیازمند تأویل است.

دَفْتَرِمِ تَبَّتِنِ تَحْوِیلِ وَ مَانِی شُونِ هَزَارَمِ کِی بُو بَرَانِی

(همان، بند ۲۳۹)

ترجمه:

- معارف آیینی را در دفترم با تأویل ثبت کردم (نوشتم). معنای آن را دریابید! چه وقت می‌شود که سیر تکاملی هزار دون مرا بدانید؟

بند پیش‌گفته بدین سبب است که از منظر نوروز سورانی، تأویل کلام اهل حق از عهده کسانی برمی‌آید که به اسرار و راز و رمز کلام واقف باشند؛ لذا وی خاطر نشان کرده است:

عَالِمَانِ عِلْمِ عُلَمَائِ دَفْتَرِ بَکْرَانِ پِیَوْنَدِ مَعْنِیِ ای گُوهر

(همان، بند ۲۱۵)

ترجمه:

- ای دانشمندان علم دانش دفتر، با همفکری به راز دفتری و معارف حقیقت راه یابید.
نظر به اینکه نوروز متأثر از صوفیه و عرفا بوده است، می‌توان مفاهیم و اصطلاحات هستی‌شناسی دفترش را به سه دسته تقسیم کرد:

الف) برخی مفاهیم و اصطلاحات دفتر نوروز برگرفته از قرآن و منابع روایی است؛ مانند، بیضه دُر، عماء (همان، بند ۲۱۳؛ قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۳)، لوح و قلم (سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۴؛ قلم: ۱)، باطن (همان، بند ۸۳ و ۶۷؛ حدید: ۳)، نور (همان، بند ۲۰۸؛ نور: ۳۵)، تجلی (همان، بند ۲۰۱؛ اعراف: ۱۴۳). این موارد دلالت می‌کند که وی از متون اسلامی بهره برده است.

ب) برخی مفاهیم و اصطلاحات برگرفته از آثار فلسفی و عرفانی است؛ مانند، وجود (همان، بند ۲۶۲ و ۲۴۹ و ۱۶۲؛ قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱)، موجود (سورانی، بی‌تا، بند ۲۴۶؛ ملاصدرا، ۱۳۸۰، ۱۰۸) ذات، (سورانی، بی‌تا، بند ۲۶۲ و ۲۵۶ و ۲۵۱؛ قیصری، ۱۳۹۸، ۱۰)، تجلی (سورانی، بی‌تا، بند ۲۰۱؛ قیصری، ۱۳۹۸، ۱۴)، ظاهر و مظهر (سورانی، بی‌تا، بند ۳۱۲؛ قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۴).

ج) بعضی از اصطلاحات، خاص زبان و ادبیات کُردی اهل حق است و در مواردی اختصاص به کلام نوروز دارد که ناظر به معانی فلسفی و عرفانی نیز هست؛ مانند، ذره آفتاو (سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۱) که به معنای ذره خورشید است و کنایه از پرتو افشانی نور الانوار می‌باشد، کوره آفتاو (همان، بند ۲۰۵) یعنی کوره خورشید که کنایه از تشعشع نور حق، و «یا» که در این نگرش، منظور از آن ذات غیب الغیوب می‌باشد و منظور از «دُر» (همان، بند ۲۱۳) احدیت است و به حدیث کنز اشاره دارد (پارسا و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۳۴) و «خاوندکار» (سورانی، بی‌تا، بند ۷) که منظور احدیت است (پارسا و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۳۵)، هسان (سورانی، بی‌تا، بند ۷۲؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰، ۶) یعنی کثرات، موجودات عالم هستی. با معادل‌سازی این موارد روشن می‌شود که هر یک از این اصطلاحات خاص دارای مفاهیمی فلسفی و عرفانی هستند. این روش در تعمیق و توسعه هستی‌شناسی وی نسبت به دیگر سراینده‌گان یارسان، نقش آفرین بوده است. در واقع، این ویژگی به رونق نسبی کلام او افزوده است.

این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی و در مواردی تطبیقی و انتقادی با شیوه استنادی کتابخانه‌ای و میدانی و گفت‌وگوی علمی با عالمان اهل حق به بررسی هستی‌شناسی فلسفی-عرفانی نوروزعلی سورانی پرداخته است. تبیین و بررسی مفاهیم فلسفی خاص زبان و ادبیات کلام نوروزعلی سورانی و نیز بررسی مفاهیم عرفانی که در کلام وی انعکاسی چشمگیر دارد، از اهداف این مقاله است. تبیین کیفیت پیدایش کثرات عالم از منظر نوروزعلی سورانی و رفع و دفع آرای متفاوت وی درباره سیر تعینات از دیگر اهداف این نوشتار است.

۲. مباحث هستی‌شناسی نوروز

با اینکه در دفتر نوروز از «هستی» (سورانی، بی‌تا، بند ۲۷۸ و ۷۲) و «وجود» سخن رفته است، اما بسان حکما و عرفا تعریفی از هستی یا هستی‌شناسی ارائه نشده است؛ ازاین‌رو، لازم است که تعریف هستی و هستی‌شناسی ارائه شود. در فلسفه از هستی به «وجود» یا «موجود» یاد می‌شود؛ ازاین‌رو، فلسفه و عرفان

«هستی» را مورد مطالعه قرار می‌دهند. چنان که گفته‌اند، «فلسفه را می‌توان به هستی‌شناسی قطعی تعریف کرد؛ زیرا هستی‌شناسی، مشتمل بر شناخت تصویری و تصدیق برهانی بر شناخت اشیا است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۲۰). مبادی تصویری فلسفه ذات واجب تعالی و مبادی تصدیقی آن صفات است و مسائل فلسفی بر محور احکامی است که به موضوع نسبت داده می‌شود؛ از این رو گفته‌اند، «هر علمی دارای موضوع، مبادی تصویری و تصدیقی، و مسائل آن علم است (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۶).

عرفان در لغت به معنای شناختن و دانستن است (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۳۷) و برخی بر این باورند که عرفان «ساحت درونی، باطنی و عرفانی اسلام است» (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۳۷). قیصری خاطر نشان کرده است، «موضوع هذا العلم هو الذات الاحدیة و نعوتها الازلیة و صفاتها السرمدیة، و مسائله کیفیة صدور الکثرة عنها و رجوعها الیه و بیان مظاهر الاسماء الهیة و النعوت الربانیة و بیان کیفیت رجوع اهل الله الیه و کیفیة سلوکهم» (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۶؛ آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱-۱۰۰) و مبادی این دانش عبارت است از: «شناخت و فایده آن و اصطلاحات بزرگان این علم و آنچه حقیقت آن بدیهی است» (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۶).

با وجودی که نوروز با نگرشی فلسفی - عرفانی به بیان هستی‌شناسی پرداخته است، به روش فلاسفه و عرفا هستی‌شناسی را پردازش نکرده است، چون روش سراینده‌گان بیان معارف آیینی بر پایه مبانی بنیادین و رویه خاص کلامی است (شیخ امیر، ۱۳۷۴، ص ۲۹۵؛ پردیور، ۱۳۸۹، ص ۱۳)؛ یعنی نوروز در ابتدای بحث به ارائه تعریف و تبیین موضوع، مبادی و مسائل موضوع هستی‌شناسی پرداخته است، بلکه بنا به سبک و سیاقی که کلام آیینی دارد، به ارائه مطالب آیینی از جمله تفسیر هستی پرداخته است. با کنکاش و بررسی دفتر نوروز می‌توان اشارات رمزی و گاهی بیان صریح وی را درباره موضوع، مبادی و مسائل هستی‌شناسی را استخراج کرد. وی همچنین به گونه‌ای منظم، منسجم و مبوب مطالب هستی‌شناسی را پردازش نکرده است. از نظر نوروز، پایه هستی‌شناسی در این نگرش، وجود حق است که هستی بخش خلاق است (سورانی، بی‌تا، بند ۲۴۹)؛ یعنی موضوع هستی‌شناسی فلسفی-عرفانی نوروز، «وجود» است که پایه هستی‌شناسی دفترش است. چنان که در دفتر می‌خوانیم:

مَوْجُودٌ نَهْ وَجُودٌ نُحْتُ نَفْسِینَ دیده شنیده مُرْغِ قَفْسِینَ

(همان)

ترجمه:

- موجودات از وجود حق هستی یافته‌اند. گفتار انسان چیزی است که آن را در ازل دیده و شنیده است.

در بند «خداخبری» از خداوند و اسما و صفات ثبوتی و سلبی ذات حق تعالی سخن گفته است (همان، بند ۱۴۳) که می‌توان آن را به منزله مبادی هستی‌شناسی وی به شمار آورد و در بند «پاران کی وندن» با رویکردی رمزی از خداشناسی سخن می‌گوید (همان، بند ۳۰۸) و در بند «پاران پیش بین» به سیر تنزلات و تعینات پرداخته است. این مطالب، مجموعه مسائلی است که درباره حضرت حق تعالی است. بدین ترتیب، موضوع، مبادی و مسائل هستی‌شناسی نوروز روشن می‌شود.

۲-۱. خداشناسی

هر مکتبی بر پایه مبانی خود، به اثبات خداوند پرداخته است. در آثار فلسفی و عرفانی با مباحثی چون روش‌ها و براهین اثبات خداوند، تبیین و تقسیمات اسماء و صفات خداوند و فاعلیت خداوند مواجه می‌شویم (قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۰-۶۰)، اما در نظام فکری یارسانیان از جمله نوروز، استدلال و برهان درباره اثبات مسائل الهیات جایگاهی والا نیافته است. البته در کلام، اشاره‌ای گذرا به برخی راه‌های اثبات خداوند مانند برهان نظم (سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۶)، اتقان صنع (همان، بند ۲۱۵) و شناخت نفس و آفاق برای شناخت خالق هستی دیده می‌شود، اما چون در این نگرش، شناخت باطنی و کشف قلبی حایز اهمیت است (همان، بند ۸۷ و ۸۰ و ۳۰ و ۲۹)، استدلال و برهان مطمح نظر پیران یارسان نبوده است؛ لذا پیشوایان یارسان وجهه همت خویش را به بیان معارف باطنی معطوف داشته‌اند. طبق همین رویکرد، اندیشه‌های مختلفی در دفتر نوروزعلی سورانی می‌یابیم، اما نگرش اشرافی-عرفانی در کلام وی به طور برجسته‌ای دیده می‌شود. در نهایت، در دفتر سورانی، اندیشه فاعلیت بالتجلی خداوند غالب بر دیگر اندیشه‌ها به چشم می‌خورد.

۲-۱-۱. اسما و صفات خداوند

خداوند دارای اسماء و صفات است. اسماء و صفات تقسیماتی دارند مانند، صفات ثبوتی و سلبی ذات، اسمای ذات، اسماء صفات و اسمای افعال (قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۹). در میان صدها سراینده یارسانی، نوروز سورانی یک بند را به بیان اسماء و صفات خداوند اختصاص داده است. وی در بند «خداخبری» ۲۹ اسم و صفت ثبوتی ذاتی و سلبی خداوند را برشمرده است.

خدا تو آگاه بینای خَبَری	خدا خَبَری
خالق مخلوق نمیر ندیم	عادل ازل اعظم العظیم

(سورانی، بی‌تا، بند ۱۴۲)

ترجمه:

- پروردگارا! از هر چیزی با خبر هستی، ای خدا، تو آگاه و بینا هستی و از هر چیزی آگاه هستی.

- از ازل عادل بوده‌ای (عادل ازلی هستی)، بزرگ‌تر از همه بزرگان، آفریننده مخلوقات هستی و هرگز نمی‌میری و ابدی هستی.

اما در دفتر بحثی تحت عنوان تقسیمات اسماء و صفات دیده نمی‌شود. افزون بر بند مذکور در برخی بندها به اقتضای بحث، برخی از اسما یا صفات خداوند ذکر شده است. رابطه ذات حق تعالی و صفاتش از مباحث مهم خداشناسی است. نوروز از بیان این مسأله غافل نبوده است و به بیان این موضوع پرداخته است. چنان که در دفترش می‌یابیم، وی به عینیت ذات و صفات خداوند باورمند است.

چُونِ شَمَالَهُ نُورِ دَمِ دَمِ مَدَوِگِرِ وِیشِ وِیشِ آراسَتَنِ نِیشَتَنِ قُرْصِ سِرِّ

(همان، بند ۲۱۴)

ترجمه:

- خداوند بسان شعله‌ای که نور افشان است، هر لحظه پرتو نور آن ساطع است و این نورانیت و پرتو فروزان، ذاتی اوست و خودش، خودش را آراست و بر عرش استوار است.

بیت مذکور، در قالب استعاره، به پرتوافشانی شعله آتش مثال زده است؛ یعنی همان طور که نور آتش ذاتی اوست و هر لحظه پرتو افشان است، صفات خداوند نیز ذاتی اوست. در مصرع دوم، آراستگی خداوند به اسماء و صفات را ذاتی او می‌داند؛ لذا از کلام وی استنباط می‌شود که به عینیت ذات و صفات خداوند معتقد است. این نگرش نشان می‌دهد که تفکر خداشناسی نوروز همسو با شیعه اثنی عشر است.

۲-۱-۲. فاعلیت خداوند

براساس متون کلامی اهل حق، به ویژه دفتر کلام نوروز، خداوند تجلیاتی در مراتب الوهت، الوهیت و الاهیت در مجالی ربوبیت، ربوبیت و ربانیت دارد (پارسا و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰)، اما بنابر ادبیات خاص آیینی اهل حق، با مفاهیمی مانند «یا» و «دُر» و «خاوندکار» مواجه می‌شویم که به ترتیب با ذات غیب الغیوب، احدیت و واحدیت مقایسه و ارزیابی می‌شود (همان، ص ۱۳۵). مراتب سه‌گانه از نظر کلام به این صورت است:

شیخ امیر دربار حضرت «یا» بی‌خاطر نشان کرده است:

أوسا پادشام نه لوح یا بسی نه أرض نه سما نه ثریا بی
نه ذات نه بشر نه شرط نه اقرار نه لوح نه قلم نه یار نه آغیار

(شیخ امیر، بی تا (ب)، ص ۳۲)

ترجمه:

- در آن هنگام که ذات حضرت حق در «یا» بود، زمین و آسمان و ستارگان خلق نشده بودند.
- نه ذاتی (نه موجودی) وجود داشت، نه بشری آفریده شده بود، نه شرط و اقراری بود، و نه لوح و نه قلم آفریده شده بود و هنوز نه از یاری و نه از اغیاری خبری بود.
در باره ذات «دُر» آمده است:

اَو دِلِّي دَرِّي، اَو دِلِّي دَرِّي بارگه شام وستن اَو دِلِّي دَرِّي
(دیوان گوره، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲)

ترجمه:

- در دل دُر، پادشاه من (خداوند) در دل دُر بارگاهش را قرار داد، به بیان دیگر خداوند از مرتبه «یا» تجلی کرد و ذات حضرت حق در مرتبه «دُر» جلوه‌گر شد.
و درباره حضرت «خاوندکار» می‌خوانیم:

آسمان و زمین وی رنگ دا قرار نام ویش نیا و خاوندگار
(شیخ امیر، بی تا (ب)، ص ۵۵)

ترجمه:

- خداوند آسمان و زمین را با نظم خاصی قرار داد، آن‌گاه نام خود را «خاوندگار» نامید.
چنان که دانستیم، اندیشه‌های کلامی (کلام مصطلح)، فلسفی و عرفانی در دفتر نوروز وجود دارد؛ لذا وی گاهی همسو با متکلمان اسلامی خداوند را ناظم، خالق و قدیم می‌داند. چنان که می‌گوید:
گوهر نه مکان کارخانه قدیم خرج کریم و لطف دانای کس ندیم
(سورانی، بی تا، بند ۲۰۹)

ترجمه:

- گوهر را از منشأ وجودی که قدیم است، استفاده می‌کنیم و به لطف او که عالم است و کسی او را ندیده است.

تعبیر کارخانه قدیم یعنی خزینه علم الهی که وجود او قدیم است. این تعبیر کنایه از خزینه علم قدیم خداوند قدیم است.

گاهی نوروز همسو با حکمای اشراقی به اشراق خداوند و پیدایش کثرات باورمند است.
چون دُرّه آفتاو همّه جای هَنَن اَوّل او کسه باش ملک ژَنَن

(همان، بند ۲۰۶)

ترجمه:

- تجلی نور حضرت حق، بسان پرتو خورشید همه جا هست. خداوند نخست فرشته عظیم را آفرید. نوروز همچنین گاهی شبیه عرفا به بیان هستی‌شناسی پرداخته است. در نگرش وی، فاعلیت بالتجلی خداوند غالب بر دیگر نظراتش دیده می‌شود. کلام‌سرای سوران، برای تبیین موضوع تجلی گفتار خود را با این پرسش آغاز می‌کند:

لِیَسْکِ لَطَافَتِ جَرِیَانِ جَبَلٍ
سَجَرِ تَجَلِّی قَطْرَه قَالِبِ چَش
غَلَطَانِ خَلِیْسِ کَارْخَانَه اَزَل
جَزْمِ مُوَنَه جِسْتَم بُلْغَارِ بُوُوش

(همان، بند ۲۰۱)

ترجمه:

- پرتو لطیف نور حق بر فراز کوه‌های بلند تجلی کرد و آن نور در کارخانه ازلی به طور کامل و شدید متجلی شد و سریان دارد.
- ماهیت ازلی تجلی یافته همانند قطره در قالب او فرود آمده است و آن را چشیده و در وجود بلغار خوشبو جذب شده است.
باز گفته است:

مَكَائِشِ کُوْنِ مَقَامِشِ چِیْشِن
مَشْرِقِ تَا مَغْرِبِ هَمِه جَا تُوشِن

(همان، بند ۲۱۷)

ترجمه:

- مکان خدا کجاست و مرتبه و مقام او چیست؟ همه عالم جلوه‌گاه نور عالم‌تاب اوست.
نوروز مانند دیگر کلام‌سرایان بحث تجلی خداوند و اشراق نور حق را در جامه بشری پرتکرار بیان کرده است.

به این ترتیب، نوروز با بیانات گوناگون، در قالب پرسش و پاسخ برای کشف موضوع هستی‌شناسی و منشأ موجودات و کیفیت ارتباط خداوند با خلاق و مسائل مرتبط با آن سخن گفته است.

۲-۲. جهان‌شناسی

نوروز در بندهایی مانند «دله سه دانه»، (همان، بند ۱۱۵) و «یاران کی وندن» (همان، بند ۲۰۶)، «میرزام کیانام» (همان، بند ۲۰۹)، یاران چند چندن» (همان، بند ۲۱۰)، «کرم دارنی» (همان، بند ۲۱۱) «یاران چیش بین» (همان، بند ۲۱۳)، «یاران جَه کُون» (همان، بند ۲۱۶) و «باران یادگار» (همان، بند ۲۳۱-۲۳۰) به بیان سیر آفرینش و جلوات مظاهر خداوند پرداخته است. یارسانیان بر پایه فاعلیت بالتجلی خداوند، جهان

را مظاهر ذات حق می‌دانند. سورانی در یک بیت از بند «یاران چه کون» از وجود مولی (خدا = ذات حق) در مصرع اول سه پرسش را طرح و در مصرع دوم، با یک پاسخ سه پرسش را جواب داده است.

كُونِ كِي دِينَ مَاوَأَش نَه كُونِ جُونِ ذُرَّةَ أَفْتَاو هَمَه جَاي تُونِ

(همان، بند ۲۱۷)

ترجمه:

- حق تعالی کجاست؟ در کجا قرار دارد؟ در چه مقامی قرار دارد؟ حضرت حق مانند پرتو نور خورشید،

در هر جایی حضور دارد.

۱-۲-۲. منشأ آفرینش

از نظر فلسفه و عرفان، کثرات بعد از واحدیت جلوه‌گر شده‌اند. در حقیقت، سخن کلام‌سرایان درباره منشأ پیدایش موجودات عالم متفاوت است (خان‌الماس، بی‌تا، ص ۶۹؛ شیخ امیر، بی‌تا (ب)، ص ۱-۲). برخی پیشوایان اهل حق از آفرینش عالم و کثرات در حضرت ذات «ذُر»ی (احدیت) سخن گفته‌اند (دیوان گوره‌گوران، بی‌تا، ص ۶۶) و بعضی سراینده‌گان از آفرینش موجودات در حضرت «خاوندکار» (واحدیت) بحث کرده‌اند (خان‌الماس، بی‌تا، ص ۶۹) و برخی مقامات آیینی از وجود علمی موجودات در حضرت ذات «یا»ی (ذات غیب الغیوب، حقیقت مطلقه) سخن گفته‌اند (سورانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷)؛ لذا می‌توان گفت، در بین پیشوایان یارسان درباره مبدأ و منشأ آفرینش عوالم و سیر تنزلات و تعینات وحدت نظر نمی‌یابیم.

تعبیر دفتر نوروز نیز در این باره متفاوت است. کلام‌سرای سورانی خداوند را منشأ آفرینش عوالم و موجودات می‌داند. گاهی مانند دیگر سراینده‌گان اصطلاح ذات «ذُر»ی را به عنوان منشأ پیدایش خلایق به کار برده است. در دفتر نوروز گاهی از آفریننده‌ عالم با تعبیر «استاد، اُسا، اُسای کامل و استاد کامل» (سورانی، بی‌تا، بند ۳۱۲ و ۸۷) یاد شده است که منظور از همه آنها خداوند خالق هستی است. در کلام می‌خوانیم:

سِرِ چَرخِ وَ دَسِ اُسایِ کَامِلِ وَ حُکْمِ اَزَلِ جَهانِ کُرْدِ قَابِلِ

(شیخ امیر، بی‌تا (ب)، ص ۴۰)

ترجمه:

- فرمان گردش چرخ گستره هستی به دست صاحبکار عالم (خداوند) است که به حکم ازلی موجودات

را قابلیت بخشید و به آنها لباس هستی پوشاند.

سورانی می‌گوید، هنوز دریا، خشکی، زمین، آسمان، آب، آتش، خاک، باد آفریده نشده بود! تاریکی و روشنایی مانند روز نبود و از ماه و سال و فصول چهارگانه خبری نبود (سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۳) و از وقت،

بی‌وقت و زمان خبری نبود؛ یعنی:

نَه بَرز بِي نَه نَزْم نَه لِيْز نَه مَكَان نَه بِيضَه دُرُّ بِي نَه بَحْر الْعَمَان

(همان، بند ۲۱۳)

ترجمه:

- نه پستی و بلندی و نه جا و مکان و مأوایی آفریده شده بود و نه هنوز خداوند [از مرتبهٔ یا] به مرتبهٔ «دُر» تنزل یافته و نه از بحر عماء خبری بود.

از نگاه نوروز، خداوند قبل از اینکه به مرتبه «عماء» (احدیت) تجلی کرده باشد، هنوز کثرات آفریده نشده بودند؛ به بیان دیگر، وی آفرینش را به مرتبهٔ واحدیت نسبت می‌دهد.

گاهی در دفترش با این پرسش مواجه می‌شویم که از لوح تا قلم و از گاو تا نهنگ و از دریا تا حجر را چه کسی ساخت؟ وی در پاسخ به پرسش خویش می‌گوید:

مَشْرِقٌ تَا مَغْرِبٌ خَلَقُ اللّٰه ي مَخْلُوق رَوْشَنِي ظُلُمَات مَالِك تَا مَمْلُوك

(همان، بند ۲۰۷)

ترجمه:

- گسترهٔ هستی، آفریده و مخلوق خدا است. همهٔ موجودات از نور خدا روشنی و ظهور یافته‌اند. لازم به ذکر است بنا به رویه‌ای که نوروزعلی در پردازش مطالب دارد، تلاش می‌کند تا ذهن مخاطب را به سوی مبدأ و منشأ آفرینش هدایت کند که موضوع هستی‌شناسی اوست و آن خداوند است.

۲-۲-۲. پیدایش عوالم

ملاصدرا به سه عالم عقل، مثال و طبیعت باورمند است و عرفا به پنج عالم؛ یعنی: عالم اعیان ثابت، عالم عقل، عالم مثال، عالم طبیعت و عالم انسان کامل عقیده (قیصری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۱). یارسانیان به دو عالم ملک و ملکوت باورمند هستند. از دیگر سو، سر بسته از هیجده هزار عالم نیز سخن گفته‌اند (دیوان گوره‌گوران، بی‌تا، ص ۱۲۶؛ ترجمه و تفسیر دیوان گوره، ۲، ۴۰۶) بدون اینکه تفسیر و تحلیلی علمی در این باره ارائه داده باشند.

در دفتر نوروز بحث از ترتیب عوالم، سیر پیدایش عوالم و موجودات، نظم خاصی ندارد. وی در بند «کرم دار نی» خاطر نشان کرده است که خداوند اراده کرد تا خلاق را خلق نماید و ابتدا ملکوتیان را آفرید (سورانی، بی‌تا، بند ۳۱۱). در بند «یاران چیش بین» از آفرینش چهار «لله» (فرشته) سخن گفته است. سپس از آفرینش لوح و قلم بحث کرده است و از «باش ملک» نیز خبر داده است (همان، بند ۲۱۴). در ادامه سیر تنزلات از منظر دفتر می‌آید.

۲-۲-۳. سیر تنزلات و تعینات

در عرفان نظری سخن از صادر اول است (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۱۴) و در فلسفه بحث از اولین مخلوق مطرح است. اولین مخلوق، موجود مفارق است که آن را عقل می‌گویند (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۴۰) و مراد عقل اول است. وقتی سخن از سیر آفرینش است، با توجه به نگرش عرفانی نوروز، حال پاسخ به این پرسش لازم می‌نماید که از نظر وی صادر اول و اولین مخلوق خداوند چیست؟ در پاسخ باید گفت، اغلب کلام‌سرایان، اولین آفریده خداوند را جبرئیل امین دانسته‌اند (خان‌الماس، بی‌تا، ص ۶۹)؛ چنان‌که نوروز نیز به این معنا تصریح کرده است، اما تتبع در دفتر نوروز نشان می‌دهد که وی نظرات متفاوتی را در این باره ارائه کرده است؛ زیرا وی گاهی از آفرینش «لوح و قلم» سخن گفته است (سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۴) و گاهی با اصطلاحاتی نمادین چون آفرینش و جلوه‌گر شدن «گاو و ماهی» سخن رانده است (همان، بند ۲۱۵). افزون بر آن، از جلوه‌گر شدن «نفس محبوس» (همان، بند ۲۱۵) بحث کرده است که با شکافته شدن (تجلی) آن، خلائق پدیدار شدند. در چند مورد نیز از آفرینش جبرئیل به عنوان اولین مخلوق بحث شده است (همان، بند ۲۰۶ و ۲۱۳).

سورانی بند «دله سه دانه» از ذات سخن به میان آورده است (همان، بند ۱۴۵). در این نگرش اولین چیزی که از رحمت و فیض خداوند هستی یافت و جلوه‌گر شد، امری موسوم به «ذات» است (همان، بند ۱۱۵). وی در بند «یاران کی و نندن» این پرسش را طرح می‌کند که مکان خدا کجاست؟ و او ابتدا کدام ملک را آفرید؟ سپس پاسخ می‌دهد که خداوند ابتدا «باش ملک» یعنی ارشد فرشتگان (جبرئیل) را خلق کرد (همان، بند ۲۰۶). به این ترتیب، تفاوت آرا و نبود انسجام در کلام نوروز آشکار می‌شود!

نوروز در بندی دیگر نفس محبوس را سرآغازی برای پیدایش مظاهر حق تعالی دانسته است:

شکاوَا نَفْسٍ نَسِیمِ مَحْبُوسٍ دَمَنانِ دَهْنِ نَهْ جَهَّانِ جَلُوسِ

(همان، بند ۱۴۲)

ترجمه:

- بسان نفسی که در سینۀ انسان بیرون می‌آید و در دهان با مخارج حروف برخورد می‌کند و به سبب آن حروف و کلمات به وجود می‌آیند، موجودات عالم نیز با نفس رحمن در جهان جلوه‌گر شدند. سپس سخن از آفرینش «باش ملک» (جبرئیل) است. در ادامه مسئله از آفرینش چهار ملک که ایلچی زمین و آسمان‌اند، سخن گفته است.

اوسا چَهار مَلکِ حَوّالَه فَرمان کَرْدِش وَ ایلچی اَرْضِ وَ آسِمان

(همان، بند ۲۱۷)

ترجمه:

- آنگاه خداوند چهار فرشته را آفرید و تدبیر امور زمین و آسمان را به آنان داد.
وی در ابیات بعدی با توصل به نمادگرایی درباره آفرینش می‌گوید:

نَه بِاللَّيْ دُو شَاخِ سَقَامِ دَا لَنْگَرٍ گاو نِیشت نَه مَاهِی دَرِیَا نَه حَجَرٍ

(همان، بند ۲۱۵)

ترجمه:

- [زمین را] در بالای دو شاخ مستقر کردند، گاو بر روی ماهی نشست و دریا بر روی سنگ استقرار یافت.

شیخ امیر نیز این گونه به بحث پرداخته است:

هفت طبق نَه پِشت مَاهِی دَا لَنْگَرٍ ماهی نِیشت نَه گاو، گاو نِیشت نَه حَجَرٍ

(شیخ امیر، بی تا (ب)، ص ۳)

ترجمه:

- هفت طبق زمین را بر پشت ماهی نگه‌داشت. ماهی در روی گاو، و گاو به روی سنگ نشست. چنان که ذکر شد، نوروز درباره تجلی خداوند و سیر تنزلات از آفرینش ذات، لوح، قلم، جبرئیل، گاو، نهنگ، ماهی، نفس الرحمن و چهار فرشته سخن گفته است. ملاحظه می‌شود که بیان وی درباره آغاز آفرینش و سیر تعینات از ترتیب، نظم و انسجام لازم برخوردار نیست.

۲-۳. انسان‌شناسی

در دفتر نوروز بیش از دیگر دفاتر پیشوایان اهل حق از انسان‌شناسی سخن رفته است (سورانی، بی تا، بند ۱۸۰، ۱۶۸، ۱۶۸، ۱۶۴، ۱۴۵ و ۹۲). در ده‌ها بند از دفتر نوروز از انسان و بعد روحی و قوای او سخن رفته است. از آنجا که آیین اهل حق همانند افلاطونیان، به آفرینش روح قبل از بدن باورمند هستند (اسرار حقیقه الحقایق حقیقت، بی تا، ص ۱) آفرینش روح انسانی را ازلی قلمداد می‌کنند. در این نگرش، آدمی مرکب از روح و جسم است و اولین بشر، آدم دانسته شده است (سورانی، بی تا، بند ۱۶۸). به گفته نوروز، روح انسانی ملکوتی است:

یَک مِثْقَالِ عَرَقِ نُورِ گُورَانِی مَعجُونِ شَد بِه خَاکِ بَشَرِ فَاِنِی

(همان، بند ۱۲۶)

ترجمه:

- یک ذره (مثقال ذاتی) از نور خداوندی به پیکر و جلوه خاکی انسان وارد و ترکیب شد.
در کلام نوروز، «گوران» یکی از اسم‌های کلامی خداوند است.

در نگرش اهل حق، حقیقت انسان به روح اوست و چون روح آفرینشی ازلی دارد، در قوص نزول از ملکوت تنزل یافته و با بدن خاکی معجون شده است. هدف از زندگی در این دنیای فانی سیر تکامل اوست. انسان در قوص صعود با طی هزار دون (درجه و مرتبه) (همان، بند ۳۰۰ و ۱۰۸) با عنایت به آداب سیر و سلوک و داشتن شرایط لازم، به کمال لایق می‌رسد. در این آیین، انسان‌هایی به کمال نایل می‌گردند که در ازل بهره‌ای از فیض حق دریافت کرده باشند. در این نگرش به نوعی جبر تکوینی حاکم است. البته دیگر سراینندگان یارسان نیز چنین اندیشه‌ای را بروز داده‌اند؛ چنان که در کلام دورهٔ پردیوری نیز چنین آمده است:

رژیان جَه نُوری غلامان صبح شام وست و بارگه پا کشتی فتوح

(دیوان‌گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵)

ترجمه:

- یاران برگزیده مانند کسی که چشمش سرمه کشیده باشد، در ازل معلوم شده‌اند. پادشاه عالم بارگاه خود را در کشتی نوح مستقر نمود.

گفتنی است که نوروز باورمند به تشکیک در مظاهر دریافت فیض است. چنان که در دفتر می‌خوانیم:

نَه کَاوِ کَرَمِ هِر کَسِ یَه ی بَشِی بَعْضِی فَرَاوَانِ بَعْضِی خُوا چَشِی

(سورانی، بی‌تا، بند ۴۶)

ترجمه:

- از کارخانهٔ فیض حضرت حق به هر کسی بهره‌ای داده‌اند. بعضی افاضات بیشتری برگرفته‌اند و برخی ذره‌ای مانند نمک در غذا دریافت کرده‌اند.

از منظر نوروز، بنابر باطن‌گرایی، معرفت و کمال‌یابی از شناخت حقیقت وجودی خویش آغاز می‌شود. در مرحلهٔ بعد، شناخت فرشتگان و در نهایت شناخت و شهود ذات که صادر اول است، غایت معرفت‌شناسی توصیف شده است. بخش عمده‌ای از کلام نوروز به کشف و شهود مراتب مذکور پرداخته است.

بر این اساس، آن‌دسته از انسان‌ها که خواص قوم به شمار می‌روند، می‌توانند در سیر تکامل روح، مراتب و درجات تعالی را طی کنند و پس از هزار و یک دون (درجه)، این دنیای فانی را پشت‌سر بگذارند و به عالم بقا بار یابند (دانشور، ۱۳۸۰، ص ۳۲) و به حق واصل شوند. در دفتر می‌خوانیم:

بیان باقی اختر بختانن خروش خبر کالا نختانن

(سورانی، بی‌تا، بند ۱۸۶)

ترجمه:

- بانگ عالم باقی از آن انسان‌های ستاره‌بخت است. آن‌گاه خروش خبر کسانی است که کالای نقد دارند.

از نگاه نوروز وقتی که قیامت برپا می‌شود، کسانی به حق واصل می‌شوند که اعمال نیک و صالح داشته باشند.

۳. رهیافت برون‌رفت از تفاوت آرای دفتری نوروزعلی

برخی مفاهیم دفتری نوروزعلی سورانی برگرفته از مفاهیم وحیانی و عرفانی است و برخی نیز از اصطلاحات خاص آیینی و کلامی است که حکایت از بیانی نمادین دارد؛ لذا رهیافت برون‌رفت از آرای متفاوت نوروز این است که برای رفع و دفع تفاوت آرای مسائل مربوط به هستی‌شناسی دفتر و سامان دادن به نابسامانی‌های آن، لازم است که از قرآن، روایات، عرفان و فلسفه مدد گرفت و پراکندگی‌های دفتری را نظم بخشید. از آنجا سیر آفرینش در آثار عرفا و فلاسفه واضح و منظم ذکر شده است و این مفاهیم از منابع مذکور اخذ شده است، بنابراین، نابسامانی‌های دفتری را به این طریق می‌توان سامان داد. از طرفی دیگر، اصطلاحات خاص کلامی را باید به کمک مفاهیم عرفانی و فلسفی معادل‌سازی یا معادل‌یابی کرد. سپس به تبویب و تنظیم منطقی و علمی مسائل دفتر پرداخت. در این صورت می‌توان ضمن وقوف به نگرش جهان‌بینی نوروز، آن دسته از نظراتش که متفاوت و مقابل هم دیده می‌شود و به نوعی در آرای وی درباره تنزلات و تعینات تناقض تلقی می‌شود، حل نمود.

الف) صادر اول

از نظر عرفا، بین اولین مخلوق و صادر اول تفاوت است. در مکتب عرفا صادر اول حقیقت محمدیه (ص) است که از آن به وجود منبسط و نفس الرحمن (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۱۴) و فیض ساری در عالم یاد شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۷۰).

در کلام نوروز و دیگران، منظور از ذات، نفس الرحمن است که از آن به «نفسِ محبوس» یاد شده است که با جلوه‌گر شدن آن موجودات هستی یافتند:

شَکَاوَا نَفْسٍ نَسِیمِ مَحْبُوسٍ دَمَنَانَ دَهْنِ نَهْ جَهَانَ جَلُوسِ

(سورانی، بی‌تا، بند ۱۴۲)

ترجمه:

- بسان نفسی که در سینه انسان بیرون می‌آید و در دهان با مخارج حروف برخورد می‌کند و به سبب آن، حروف و کلمات به وجود می‌آیند، موجودات عالم هم با نفس رحمان در جهان جلوه‌گر شدند.

در کلام یارسان، اسم دیگر نفس الرحمن، ذات (شیخ امیر، بی‌تا (ب)، ص ۱) است. نوروز گفته است:

أَوَّلُ مَغْزٍ ذَاتِ نُوشَا أَعْلَايِ سَرٍ دُو كَسٍ وَ مُعْجَزِ كِيشَانَه بَسَرِ

(سورانی، بی‌تا، بند ۱۱۵)

ترجمه:

- نخست خداوند اعلی مغز ذات را نشانند و دو نفر با معجزه [قدرت لایتناهی خداوند] آفریده شد. این احتمال بعید نیست که اگر نوروز در بند «دله سه دان» اظهار داشته است، اول مغز ذات از فیض حق برخوردار شد یا از «شکافته شدن نَفَس» (جلوه کردن نفس الرحمن) یاد کرده است، مراد وی از «ذات» و «نَفَسِ مَحْبُوس» صادر اول باشد.

ب) لوح و قلم

از دیگر چیزهایی است که در کلام یارسان پرتکرار وارد شده است، بحث آفرینش لوح و قلم است. این دو اصطلاح در قرآن نیز آمده است؛ مانند: «فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج: ۲۲) و «نُ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱).

لوح در معنای اصل عالم با صادر اول تطابق خواهد داشت. در این صورت مراد از لوح همان صادر اول است. در عرفان نیز «عقل اول قلم خدای و رسول الله است» (نسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). مراد از قلم، عقل اول است. فلاسفه، اولین مخلوق را عقل اول می‌دانند (ملاصدرا، ص ۱۳۸۰، ص ۲۹۲)؛ یعنی قلم، عقل اول است.

ج) جبرئیل

در گفتار کلام‌سرای سوران، آفرینش جبرئیل نیز به گونه‌ای پرتکرار بیان شده است. در اغلب موارد از آن به عنوان اولین آفریده سخن رفته است، در حالی که بنابر آنچه از دفتر ارائه شد، اولین مخلوق، قلم یا عقل اول است. نظر به اینکه فلاسفه مشاء به عقول عشره قائل هستند (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲) و دهمین عقل را عقل فعال نامیده‌اند، آن را با جبرئیل تطابق داده‌اند (نسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷). در اینجا، نگرش نوروز درباره اولین مخلوق، هماهنگ نیست.

د) گاو و ماهی

دو مفهوم «گاو و ماهی» در کلام‌های مختلف یارسان آمده است. منشأ این مفاهیم روایات اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵، ص ۱۸) که به کلام اهل حق نیز راه یافته است. این دو مفهوم ناظر به بیان نمادین معارف هستی‌شناسی است. گاو از اسرار الهی دانسته شده است (کلام دوره سیدفرضی، بی‌تا، بند ۱۰) و البته در ادیان باستانی نیز «گاو و ماهی» به عنوان نماد قدرت آمده است. در فرهنگ اهل حق، منظور از گاو، جبرئیل است؛ از این جهت که گاو حیوانی قدرتمند است و جبرئیل نیز قدرت زیادی دارد؛ لذا گاو به عنوان نماد قدرت به کار رفته است. مراد از نهنگ و ماهی، دیگر فرشتگان است.

بنابر اینکه از نظر یارسانیان مراد از گاو جبرئیل باشد، سه مفهوم جبرئیل، قلم و گاو ناظر به عقل فعال است و ماهی هر فرشته‌ای باشد، بعد از جبرئیل خلق شده است. از آنجا که کلام سرایان به آفرینش هفت فرشته باورمند هستند، در بیان سیر تعینات ذات حق تعالی، تلاش کرده‌اند تا آمار هفت فرشته را نیز ارائه دهند. در این اندیشه پس از جبرئیل سه فرشته دیگر آفریده شد که عبارتند از: اسرافیل، میکائیل و عزرائیل که با جبرئیل، چهار تن می‌شوند که آنان حاملان عرش الهی هستند. پس از این چهار فرشته، سه فرشته دیگر لباس هستی پوشیدند. این فرشتگان به «هفتن» موسوم‌اند. به این ترتیب، چند مسئله روشن شد.

اولاً مفاهیم قرآنی، عرفانی و برهانی در بحث تجلی خداوند در اندیشه نوروعلی وجود دارد. ثانیاً سیر آفرینش به ترتیب، عبارت است از: صادر اول (ذات، نفس محبوس، فیض ساری و لوح) و سپس عقل اول (قلم) و در مرتبه بعد جبرئیل (باش ملک، عقل فعال) و دیگر ملایک و موجودات عالم ملک. به این ترتیب، تناقض مورد بحث حل می‌شود. لکن خلأ برخی مطالب در دفتر سورانی درباره ترتیب سیر تعینات همچنان باقی است. از جمله اینکه فرشتگانی که بین عقل اول (قلم) تا عقل دهم (جبرئیل) مطرح است، در دفتر سخنی از آنها به میان نیامده است.

پس از بحث صادر اول و آفرینش مجردات عالم جبروت و ملکوت، بحث عالم ملک مطرح است. چنان که دانستیم، در این نگرش، آفرینش از ازل آغاز شده است که نوروعلی آن را «کارخانه ازل» نامیده است (سورانی، بی‌تا، بند ۲۰۱).

نوروعلی منشأ آفرینش موجودات عالم ملک و ملکوت را خداوند می‌داند، ولی در مواردی جبرئیل را مأمور آفرینش عالم ملک دانسته است. وی به صورت رمزی این چنین به آن اشاره کرده است:

شِئِ نَه بَحْرِ فِکْرِ تَدْبِیْرِ تَفَاقِ جَمَّانِ اَسَاسِ پِی اَرْضِ اَفَاقِ

(همان، بند ۲۱۴)

ترجمه:

- خداوند اراده نمود و بنیان پیدایش جهان را ایجاد کرد؛ لذا برای آفرینش زمین و آسمان، اساس را به حرکت در آورد.

در اینجا منظور از «اساس» جبرئیل است که به صورت رمزی مورد اشاره قرار گرفته است. در اندیشه نوروعلی سورانی، در عالم ملک هفت طبقه زمین و آسمان آفریده شد (همان، بند ۲۱۱) پس از آفرینش زمین و آسمان دیگر موجودات خلق شدند و در پایان زنجیره آفرینش آدم و حوا هستی یافتند (همان؛ شیخ امیر، بی‌تا (ب)، ص ۲):

وَلِیوَا پَرَدَةَ سِیرَ نَه رُوی سَوادِ فَرَمَا وَ مَلِکِ رَحْمَتِ وَ اُسْتادِ

(سورانی، بی‌تا، بند ۲۱۵)

ترجمه:

- پرده اسرار از روی تاریکی کنار رفت و خداوند بعد از آفرینش آدم به ملک - جبرئیل - فرمود، رحمت به استاد.

این بیت اشاره به آفرینش آدم دارد و تلمیحی است به آیه شریفه «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴).

۴. نتیجه‌گیری

بنابر آنچه که درباره نگرش هستی‌شناسی نوروزعلی سورانی ارائه گردید، این نتایج به دست آمد: سراینده سورانی بنابر مبانی آیین اهل حق به بیان هستی‌شناسی پرداخته است؛ لذا سبک و سیاق مباحث مربوط به هستی‌شناسی دفتر نوروز بر پایه فاعلیت بالتجلی خداوند پردازش شده است.

تأثیرپذیری نوروزعلی از تفکر عرفا و صوفیه باعث شده است که وی مبانی آیین اهل حق را به ویژه هستی‌شناسی را به گونه‌ای متفاوت از نگرش دیگر کلام‌سرایان اهل حق و متأثر از نگرش صوفیه و عرفا پردازش نماید. مسائلی که وی درباره هستی‌شناسی ارائه کرده است، بخشی از آن تحت تأثیر قرآن و روایات بوده است؛ به گونه‌ای که مفاهیم قرآنی و روایی و نیز اصطلاحات عرفا و فلاسفه نیز در گفتار وی هویدا است؛ از این رو، نوروز با استمداد از منابع وحیانی و عرفانی، نگرش آیینی خود را درباره هستی پردازش کرده است و به نگرش عرفا نزدیک شده است. به همین جهت و رویکردی که در پردازش معارف آیینی دارد، نسبت به سراینندگان پیشین اهل حق برجسته دیده می‌شود.

با استخراج، معنایابی و معادل‌سازی مفاهیم هستی‌شناسی دفتر نوروز و تبویب و تنظیم مسائل آن، روشن گردید که نگرش نوروز در بعضی مسائل همسو با عرفان اسلامی به پردازش هستی‌شناسی پرداخته است و در مواردی از عرفان اسلامی فاصله گرفته است.

۵. فهرست منابع

- القرآن الکریم
- اسرار حقیقه الحقایق حقیقت. (مخطوط). بی تا.
- اصغری، سیدمحمد. (۱۳۹۸ش) *عقل و عرفان*. تهران: اطلاعات.
- پارسا، علی رضا؛ مال میر، محمد ابراهیم؛ رسولی شریانی، رضا و رستمی، منصور. (۱۴۰۰ش) *اتسین و بررسی تجلی خداوند از نگاه آیین یاری (اهل حق) و عرفان اسلامی*. مجله نقد و نظر. دوره ۲۶، ش ۱۰۳، صص ۱۴۶-۱۱۱.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸ش) *رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه*. قم: اسراء.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۵ش). *ترجمه و تفسیر دیوان گوره*. تهران: پرسمان.
- خان الماس. (بی تا). *دیوان کلام*. (مخطوط).
- سورانی، نوروزعلی. (بی تا). *دفتر*. (مخطوط) خط کردی به تاریخ ۱۳۶۲.
- سورانی، نوروزعلی. (۱۳۸۴ش). *کلام دوره شاه حیا س*. گردآوری و مقدمه سیدشمس‌الدین محمودی. بی جا.
- سید براهه. (بی تا). *دفتر*. (مخطوط).
- شیخ امیر. (بی تا (الف)). *دفتر کلام*. (مخطوط).
- شیخ امیر. (بی تا (ب)). *دیوان*. (مخطوط). خط سیدایمان خاموشی به تاریخ ۱۳۷۹.
- شیخ امیر. (۱۳۸۲ش). *دیوان گوره*. با مقدمه سید محمد حسینی. کرمانشاه: باغ نی.
- صفی‌زاده، صدیق. (بی تا). *نامه سرانجام*. تهران: هیرمند.
- قیصری، داود. (۱۳۹۸ش). *رسائل قیصری*. مقدمه و شرح سید جلال‌الدین آشتیانی. چاپ سوم. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. چاپ دوم. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محیی‌الدین، محمد. (۱۳۸۵ش). *شرح فصوص الحکم*. شرح داوود قیصری. تحقیق حسن حسن‌زاده آملی. قم: بوستان کتاب.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰ش). *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*. تصحیح، سید جلال‌الدین آشتیانی. چاپ دوم. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۰ش). *المبدأ و المعاد*. تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی. چاپ سوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۸۶ش). *الإنسان الكامل*. تصحیح ماریژان موله. تهران: طهوری.